



اولین برف زمستانی امسال که به خاطرش از کشور خارج شدیم. همسر با این کاپشن زیبا سورپرایزم کرد.



یحیی گل محمدی: من توی نقل وانتقالات کلاه گشادی سرم رفت واستعفا کردم. تو به خاطر این لباس گشاد از همسرت تشکر می کنی؟!

رضازاده: آقای زحمت آدرس فروشگاه رو بگیر. بینم اگه سایز کوچیک تر داره. برای خودم بگیرم.

علی بهادری جهرمی: من از همه دوستان تقاضا دارم که با صرفه جویی توی پارچه کاری کنن که به همه لباس برسه. الان با این لباس می شد برای پنج نفر لباس دوخت.

عیسی زارع پور: ازیس اینترنت مفتی که اضافه پولتون رومی رین لباس می خرین 😊

شرکت گاز ایران: با توجه به کمبود گاز، امسال از هم وطنان عزیز خواهشمندیم از این لباس ها در خانه بپوشند.

خاوری: ای کاش زمان ما هم از این لباسا مد می شد. قشنگ دوبرابر پولی که اون زمان بردم. زیر این جا می شه.

ننه سرما: قشنگ مشخصه به حرف هواشناسی ایران کردی و این لباس رو پوشیدی. من امسال ایران نمی آم.

بایدن: بیچاره مردم ایران این قدر در فقر هستن که مجبورن لباس بزرگتراشون رو بپوشن. برای همین من دوباره به نفع مردم ایران، ایران رو تحریم می کنم.

وایستا دنیا، من می خوام پیاده شم!

بود که هر نیم ساعت یک بار می آمد و همین جمله ها را تکرار می کرد! مثل اینکه ماشین آتش نشانی در ترافیکی که به دلیل فرونشست زمین به دلیل ساخت و ساز غیرمجاز و رشوه خیز بودن صدور مجوزهای ساختمانی که به دلیل استخدام خواهرزاده مدیر اداره بغلی در مسند صدور مجوز به دلیل تشکر از مساعدت بین سازمانی در زمینه کاهش مالیات شرکت بازگانی برادرزاده مدیر متبوعه داشته. ایجاد شده. گیر کرده! ولی در این لحظات که فشار زیادی را دارم تحمل می کنم تا ماشین آتش نشانی راه را برای آمبولانس حمل جنازه باز کند تا به اینجا برسد. با اینکه توقع داشتم همراه دیگر مسافران رنجر، ترانه «ایران، فدای اشک و خنده تو» سالار عقیلی را هم خوانی کنیم. ولی در حال خواندن ترانه «وایستا دنیا، من می خوام پیاده شم!» رضا صادقی هستیم که قطعا سوار بر رنجر و در چنین لحظاتی آن را سروده و خوانده است!



حالا که به نظر می آید تاد قایقی دیگر زندگی ام به پایان می رسد، دوست دارم به افرادی که مشکلات کوچک کشور را بزرگ جلوه می دهند، بگویم که باید نگاهشان را به زندگی عوض کنند. مرغ و گوشت ارزان را نمی بینید؟ هوای تمیز و پاک را نمی بینید؟ مدیران کاربلد و متخصص رانمی بینید؟ اگر این ها رانمی بینید، باید نوع نگاهتان را به مسائل تغییر دهید. من خودم با وجود فشار زیادی که تحمل می کنم، وقتی چشم هایم را شستم و جور دیگر دیدم، زندگی برایم معنای دیگری پیدا کرد. من هم مثل شما فکر می کردم مشکلات مثل آب خوردن حل نمی شود. چون برخی مسئولان به جای آب، چای می خورند! من هم فکر می کردم هوا بس ناجوانمردانه سرد و آلوده و پر از دود و سرب و گردوغبار است. من هم فکر می کردم به جای ابرهای باران زاگواهیمان هستند که دارند پشت سرهم می زایند! بعد دیدم نه، زندگی آن قدر پیچیده نیست و شاید مثل یک بازی باشد. پس باید خوش بود و لذت برد. این شده که آدم شهر بازی و سوار رنجر شدم. تاب خورد و تاب خورد تا رفت بالا و متوقف شد و همه را برعکس کرد. دیدم نسبت به دنیا عوض شد. ولی خب چراغ های چشمک زن رنجر خاموش و آن آهنگ مسخره اش قطع شد و یک نفر از پایین داد زد: «نگران نباشین، رنجر خراب شده. زنگ زدیم آتیش نشانی. نزدیکه!» و این قدر مسئول و وظیفه شناسی

جلال بهبودی، مدیر کل حسابداری همراه اول:
پنج گیگ اینترنت به اندازه یک بسته صد گرمی تخمه است.

(گفت و گوی ویژه خبری)

محمود رضا خاوری:
۳ اهمیتی که
من برداشتم،
به اندازه ۲ درصد
اختلاس چای
دبش است.



محمد علی تیموری،
خودروساز:
قیمت پر اید
به اندازه انقده
از ماشین شجاع
خلیل زاده است.



یحیی گل محمدی، سرمربی
پر سپولیس:
طول هر بار قهر من
به اندازه یک دهم
زمان قهر بعضی
رئیس جمهورهاست.



ناتابهاو:
تعداد
کشته های
غزه به اندازه
یک هفتم
کشته های بمب
اتم است.



محمد علی تیموری،
خودروساز:
قیمت پر اید
به اندازه انقده
از ماشین شجاع
خلیل زاده است.

